در سینمای جهان فیلم‌های هدفمند زیادی با موضوع شیوع یک ویروس مرموز ساخته می‌شوند

ویروس‌ها بدمن‌های سینما

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

اپیدمی و گسترش یک بیماری خطرناک، یکی از موضوعات پرتکرار در داستان‌ها و فیلم‌های سینمایی است و خیلی از اوقات همین موضوع دستمایه بیان مضامین دیگر می‌شود و بیماری، جنبه نمادین پیدا می‌کند. عموما در این نوع فیلم‌ها و داستان‌ها به یک ویروس به‌عنوان عامل بیماری توجه می‌شود نه باکتری و میکروب. به‌طور کل سه ژانر هستند که در آنها اپیدمی‌های ویروسی بیشتر می‌شود که مورد اول آثار آخرالزمانی و پساآخرالزمانی هستند. خیلی از این فیلم‌ها علت به پایان رسیدن تاریخ یا قرار گرفتن جهان در آستانه چنین وضعی را شیوع همه‌گیر یک ویروس در بین انسان‌ها نشان می‌دهند. فیلم‌ها و البته داستان‌های ژانر وحشت دسته دیگری از آثار هستند که به چنین موضوعی می‌پردازند. در این نوع آثار معمولا بحث گسترش ویروس‌ها با چاشنی تخیل همراه می‌شود و بعضی وقت‌ها صرفا جنبه سرگرمی دارد و گاهی جنبه‌های نمادین هم در آن هست. ژانر سومی که به گسترش ویروس در جوامع انسانی می‌پردازد، ژانر مصیبت است. ژانر مصیبت شامل آن دسته از داستان‌هایی می‌شود که به مرگ دسته‌جمعی انسان‌ها بر اثر یک بلای طبیعی، حادثه غیرمترقبه یا جنگ می‌پردازد. سریال «چرنوبیل» که اخیرا در پنج قسمت به نمایش درآمد و خیلی از مردم ایران هم آن را دیده‌اند، یکی از نمونه‌های ژانر مصیبت است. ژانر مصیبت بسیاری از مواقع بستر روایت داستانی راجع به گسترش شیوع یک ویروس شده است. این ژانر نسبت به دو نمونه قبلی (کارهای آخرالزمانی و وحشت) نگاهی واقع‌گراتر به مسائل دارد. عوامل شیوع یک ویروس در جوامع انسانی هم عمدتا سه گروه شناخته می‌شوند؛ یا دولت و سازمان‌های امنیتی، یا پزشکان خطاکاری که با جدی نگرفتن موضوع کار را به مراحل حاد می‌رسانند و یا آلوده‌کنندگان محیط زیست و نمایندگان تکنولوژی. چند فیلمی که در ادامه به آنها اشاره شده، آثاری هستند که به موضوع شیوع یک ویروس در جوامع انسانی پرداخته‌اند و سعی شده در گزینش آنها به جنبه‌های مختلفی که پرداختن به این موضوع در سینما ایجاد کرده است، توجه شود.

با این حال به فیلم «شیوع» ساخته استیون سودربرگ اشاره نشده است، چون با گسترش اپیدمی کرونا ویروس در چند کشور جهان، به این فیلم هم توجه مجددی شد و بسیار درباره‌اش گفتند و نوشتند. البته ناگفته نماند که تماشای چنین فیلم‌هایی در چنین شرایطی برای همه مخاطبان مناسب نیست و امکان دارد روی روحیه‌شان تاثیر منفی بگذارد.

«عفونت» ۲۰۰۴ ماسایوکی اوچیا

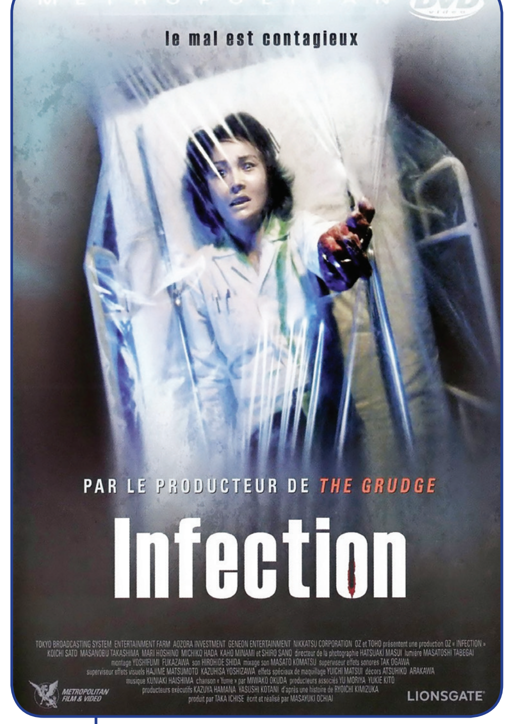

«عفونت» یک فیلم ترسناک ژاپنی، محصول سال ۲۰۰۴ به کارگردانی ماسایوکی اوچیا است که ماجرایی هولناک را درمورد یک بیمارستان دورافتاده روایت می‌کند. در این بیمارستان، اشتباه ناخواسته یک پزشک، عواقب وحشتناکی را برای کارمندان مجموعه به‌وجود می‌آورد. دکتر آکیبا از پذیرش یک بیمار مبتلا به بثورات عجیب سیاه امتناع می‌کند و درعوض به یک بحران جدی در اتاق ۳ بیمارستان که ظاهرا در آنجا به یک بیمار داروی اشتباهی داده شده است، توجه می‌کند. آکیبا، دکتر اووزومی و چهار پرستار تصمیم می‌گیرند که علت مرگ را پوشانده و بدن را به یک اتاق بی‌استفاده منتقل کنند. سپس سرپرستار می‌فهمد بیماری که آکیبا قبلا از بستری کردن او امتناع کرده بود، در راهرو مانده است و این را به آکیبا اطلاع می‌دهد. وقتی آکیبا برای معاینه می‌رود، می‌فهمد که دکتر آکایی بیمار را پذیرش کرده و تصمیم دارد علائم او را مورد مطالعه قرار دهد. اگرچه این بیمار هنوز زنده است، اما توده بدن او درحال جوشیدن به رنگ سبز است. آکیبا و دیگران نمی‌دانند که آکایی از وقایع اتاق ۳ چقدر می‌داند و اکراه دارند که به معاینه او کمک کنند، اما وقتی به اتاق بیمار برمی‌گردند، می‌بینند که او ناپدید شده و سرپرستار بیهوش شده است. سرپرستار از خواب بیدار می‌شود و درحالی که شروع به خونریزی سبز از گوشش می‌کند، اقدامات عجیبی انجام می‌دهد. پزشکان در اینجا متوجه می‌شوند که در معرض خطر عفونت هستند و تصمیم می‌گیرند در تلاش برای محدود کردن شیوع عفونت، این پرستار را روی تختخواب بگذارند و با پلاستیک آن را بپوشانند. کم‌کم احساس گناه تمام بیمارستان را فرا می‌گیرد. اووزومی درحالی که با بیماران کشته‌شده صحبت می‌کند، شروع به گریه می‌کند. آکیبا راه می‌رود، اما اووزومی را درحالی می‌بیند که چشمانش سفید می‌شود و رنگ سبز او را فرا می‌گیرد. بین آکیبا و آکایی دعوایی رخ می‌دهد و آکیبا همکارش را به ایجاد و گسترش ویروس متهم می‌کند. آکایی این موضوع را انکار می‌کند و توضیح می‌دهد این عفونت درواقع از نظر روانی گسترش یافته است و ناخودآگاه قربانیان آن را آلوده می‌کند. به‌زودی، دکتر ناکازنو متوجه می‌شود که چند ساعت گذشته، همه توهم بوده‌اند. او با پلیس تماس می‌گیرد، زیرا آکیبا وقایع اتاق ۳ را به یاد می‌آورد و می‌فهمد که آکایی درواقع بیمار سوختگی بوده است. دوباره همین سری از رویدادها نشان داده می‌شود، اما آکیبا به‌عنوان بیمار سوختگی و آکایی به‌عنوان آکیبا، دستور تهیه داروی اشتباه را می‌دهد، که باعث می‌شود کل کارکنان قتل عام شوند. این بیمارستان صبح روز بعد تخلیه می‌شود زیرا همه کارمندان به جز ناکازنو کشته شده‌اند و پلیس در جست‌وجوی آکیباست که ناپدید شده است. وقتی ناکازنو از بیمارستان خارج می‌شود، می‌بیند تمام چراغ‌های قرمز به رنگ سبز تغییر می‌کنند و بالعکس. او که وحشت‌زده شده، به‌طور اتفاقی دست خود را قطع می‌کند و خون سبز بیرون می‌آید. شکستن قفل در اتاقی که قربانی سوختگی در آن نگهداری شده است، دیده می‌شود. شخصی که داخل قفسه است، درحالی که خونی سبز از بدنش خارج می‌شود، درخواست کمک می‌کند.

«کوری» ۲۰۰۸ فرناندو میرلس

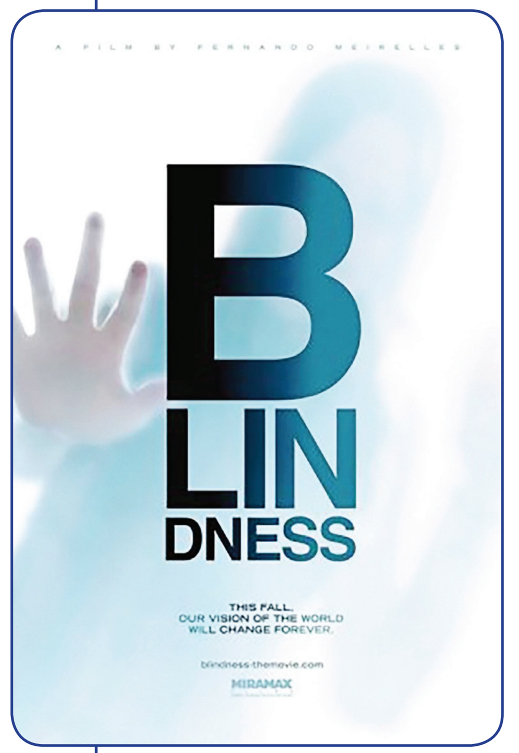

فرناندو میرلس، کاگردان برزیلی فیلم سینمایی «کوری» است. فیلمی که از رمان مشهور ژوزه ساراماگو اقتباس شده و البته که قوت کتاب در پرداخت به جزئیات و صحنه‌پردازی، این اثر را جلوتر از اقتباس سینمایی‌اش قرار داده است. کوری، داستان مردم یک شهر است که خیلی ناگهانی به کوری دچار می‌شوند. این کوری مرموز که ظاهرا به‌سرعت هم سرایت می‌کند، دولتمردان را مجبور می‌کند تا برای کسانی که دچارش شده‌اند، قرنطینه بسازند و همه را در آنجا جا بدهد. کوری و بینایی مثل سایر عناصر این فیلم شکل نمادینی دارد. برخلاف بیماری کوری که همه‌چیز سیاه است، تمامی افرادی که مبتلا به این بیماری می‌شوند دچار دیدی سفید هستند و اتفاقا نابینایی در این فیلم، هیچ ارتباطی به سلامت چشم ندارد. بیماری کوری و قرنطینه آدم‌ها در یک آسایشگاه، فضایی را ایجاد کرده تا حرف‌های جدی‌تری درمورد وجوه یک جامعه انسانی زده شود. اینکه مبتلایان به کوری در قرنطینه از فرط ناامیدی، به هرچیزی متوسل می‌شوند و دست به رفتارهایی می‌زنند که اگر در معرض دیده‌شدن بودن این کارها را نمی‌کردند.

خلاصه داستان کوری: بیماری کوری به‌شدت درحال سرایت بین مردم یک شهر است. مسئولان برای جلوگیری از سرایت آن، کورها و نزدیکان‌شان را در ساختمان تیمارستانی قرنطینه می‌کنند، اما روزبه‌روز تعداد کورها بیشتر می‌شود. در میان این جماعت یک زن که همسر یک چشم‌پزشک است، کور نمی‌شود ولی خودش را به کوری زده تا از همسرش جدا نشود. او تنها کسی است که تا پایان داستان بیناست. در قرنطینه چه بلاهایی که بر سر کورها نمی‌آید. همسر چشم‌پزشک از رفتارها و مصیبت‌های آنها گزارش عبرت‌انگیزی می‌دهد. بسیاری از کورها به‌دست سربازان و نگهبانان قرنطینه کشته می‌شوند. اما سربازها هم کم‌کم کور می‌شوند.

بزرگ‌ترین مشکل برای کورها برآوردن نیازهای اولیه یعنی خوراک و مستراح است و با اینکه دولت به آنها غذا تحویل می‌دهد، اما تقسیم کردن و استفاده از آن بسیار دشوار می‌شود. دولت و رسانه‌ها وعده‌های دروغین می‌دهند که کوری درحال کنترل است. نظم‌وترتیب شهر از بین می‌رود و کسانی که به‌یک‌باره کور می‌شوند، همه‌چیز را از بین می‌برند، اتوبوس‌ها و هواپیماها، سقوط می‌کنند و حوادثی مانند اینها. در قرنطینه که کشوری مستقل است، دسته‌ای از کورهای اوباش و مسلح، کنترل غذا را به‌دست می‌گیرند. از بقیه کورها می‌خواهند که به خواسته‌های آنها تن دهند و گرنه غذای هر بخش را قطع می‌کنند، کورها هم برای زنده ماندن تن به همه چیز می‌دهند، ابتدا پول و جواهرات و وسایل آنها را می‌گیرند و در مرحله بعد زن‌های هر بخش را می‌خواهند. همسر چشم‌پزشک که بیناست، قهرمانانه سردسته اوباش را از پا درمی‌آورد و لشکری درست می‌کند تا با اوباش بجنگند. با چند کشته، بالاخره بخشی که اوباش در آن هستند به‌وسیله همین زن به آتش کشیده می‌شود، اما آتش قرنطینه را فرا می‌گیرد. کورها فرار می‌کنند، اما از سربازهای نگهبان اثری نمی‌بینند. گروه‌گروه به شهر می‌آیند، اما شهر را زباله‌دانی متروک، ویرانه، بدون آب، برق، گاز و دیگر امکانات می‌یابند. همه کور شده‌اند و کورها که خانه‌هایشان را گم کرده‌اند، گروه‌گروه با هم به حرکت در آمده و به‌دنبال غذا همه‌جا را خراب می‌کنند. آن زن که همسر چشم‌پزشک است گروه خود را راهنمایی می‌کند و به خانه خود می‌برد و برایشان غذا تهیه می‌کند. با هم به عشق و محبت می‌رسند، یک کودک و سگی نیز با آنهاست. بالاخره همان کسی که نخستین‌بار کور شده بود و در این گروه بود به‌طور ناگهانی بینا می‌شود و دیگران نیز یکی‌یکی با شادی فریاد می‌زنند که می‌بینند و در شهر این فریادها شنیده می‌شود.

«ویروس» ۱۹۸۰ کینجی فوکاساکو

«ویروس» که نام دیگر آن «روز رستاخیز» است، یک فیلم علمی-تخیلی پساآخرالزمانی است که در سال ۱۹۸۰ و در ژاپن به کارگردانی کینجی فوکازاکو ساخته شد. سناریوی این فیلم براساس رمان «نام خانوادگی ساکیو» نوشته شد و در زمان خود، گران‌ترین فیلم ژاپنی بود. ماجرای فیلم در آینده نزدیک روایت می‌شود. در سال ۱۹۸۲، معامله‌ای مخفی بین یک دانشمند آلمان‌شرقی به نام دکتر کراوز و گروهی از آمریکایی‌ها بر سر ماده‌ای به نام MM۸۸ درمی‌گیرد. MM۸۸ ویروس کشنده‌ای است که به‌طور اتفاقی توسط یک متخصص ژنتیک آمریکایی ایجاد شده و قدرت هر ویروس یا باکتری دیگری را که با آن در تماس است، تقویت می‌کند. آمریکایی‌ها نمونه ویروس را که یک سال قبل از آزمایشگاهی در آمریکا به سرقت رفته بود، بازیابی می‌کنند؛ اما ویروس به‌طور تصادفی پس از سقوط هواپیمای حامل آن، آزاد می‌شود و یک بیماری همه‌گیر را که در ابتدا با عنوان «آنفلوآنزای ایتالیا» شناخته می‌شود، ایجاد می‌کند.

طی هفت ماه، تقریبا تمام جمعیت جهان از بین می‌روند. با این حال، ویروس در دمای زیر ۱۰ درجه سانتیگراد غیرفعال است و زمستان قطبی، ۸۵۵ مرد و ۸ زن مستقر در قطب جنوب را نجات داده است. زیردریایی هسته‌ای انگلیس پس از غرق‌شدن زیردریایی شوروی که خدمه آلوده‌اش سعی در آمدن به سطح زمین در نزدیکی ایستگاه پالمر را دارند، به این دانشمندان می‌پیوندد. چند سال بعد، هنگامی که این گروه شروع به بازپس‌گیری مجدد خانه جدید خود می‌کند، کشف می‌شود که یک زمین‌لرزه، سیستم واکنش خودکار (ARS) را فعال کرده و زرادخانه هسته‌ای ایالات متحده را راه‌اندازی کرده است.

اتحاد جماهیر شوروی هم نسخه ARS خود را دارد که ایستگاه پالمر را هدف قرار می‌دهد. بعد از اینکه همه زنان و کودکان و صدها نفر از مردان به یخ برفی در یخبندان اعزام شدند، یوشیزومی و سرگرد کارتر با حضور در نئرید، مأموریتی برای خاموش کردن ARS دارند و به یک واکسن آزمایشی دست پیدا می‌کنند که از MM۸۸ محافظت می‌کند.

این زیردریایی وارد واشنگتن دی‌سی می‌شود و یوشیزومی و کارتر با عجله به‌سمت پناهگاه فرماندهی ARS حرکت می‌کنند. با این حال، آنها خیلی دیر به اتاق کنترل می‌رسند و همه کسانی که در یخچال روی یخ‌شکن هسته‌ای هستند، هلاک می‌شوند. با گذشت سال‌ها، یوشیزومی به‌سمت قطب‌جنوب قدم می‌زند. با رسیدن به تریا دل فیگو در سال ۱۹۸۸، یوشیزومی بازماندگان از یخبندان که با یک واکسن از زمان توسعه یافته و دنیای صنعتی ایمن شده‌اند را می‌یابد. او آنها را در آغوش می‌گیرد و یوشیزومی اعلام می‌کند که «زندگی زیباست».

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

«شیوع» ۱۹۹۵ وولفگانگ پیترسن

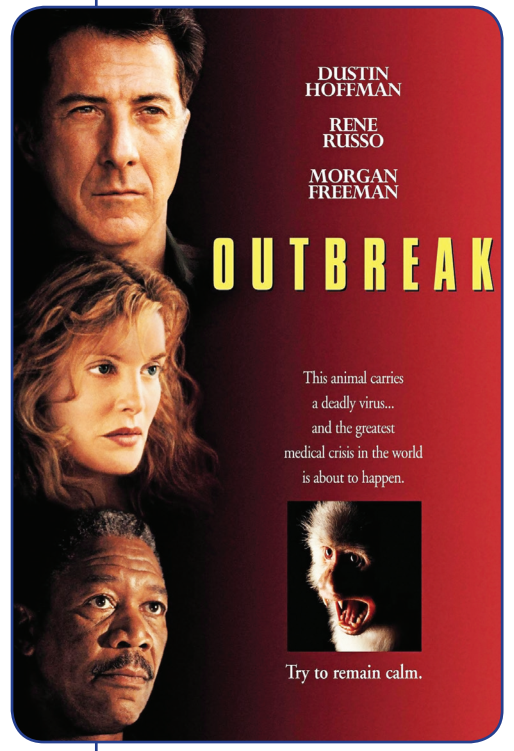
DUSTIN HOFFMAN
RENE RUSSO
MORGAN FREEMAN
OUTBREAK
This animal carries a deadly virus... and the greatest medical crisis in the world is about to happen.
Try to remain calm.

همزمان با اپیدمی‌شدن ویروس کرونا، توجهات ویژه‌ای به فیلم «شیوع» ساخته استیون سودربرگ شد که داستان آن با وقایع مربوط به این رویداد شباهت آشکاری داشت. سودربرگ آن فیلم را در سال ۲۰۱۱ ساخته بود ولی پیش از آن هم فیلم دیگری در سال ۱۹۹۵ ساخته شد که آن هم در فارسی به‌شیوع ترجمه شده، درحالی که نام انگلیسی‌اش با فیلم سودربرگ تفاوت داشت. نام انگلیسی فیلم سودربرگ «Contagion» است و نام فیلمی که در سال ۱۹۹۵ ساخته شد «Outbreak». در فیلمی که در سال ۱۹۹۵ ساخته شد، مورگان فریمن، کوین اسپیسی، داستین هافمن و رنه روسو بازی کرده بودند و ماجرا به چیزی بین ویروس‌های ایدز و ابولا مربوط می‌شد. این فیلم یک فاجعه پزشکی آمریکایی در سال ۱۹۹۵ را روایت می‌کند و به کارگردانی وولفگانگ پیترسن، براساس کتاب غیرداستانی ریچارد پرستون با نام «منطقه داغ» ساخته شده است. در سال ۱۹۶۷ توسط موشک‌های Kisangani، ویروسی به نام موتابا که باعث تب کشنده می‌شود، در جنگل آفریقا کشف می‌شود. دونالد مک کلینتوک و ویلیام فورد، افسران ارتش آمریکا، برای مخفی نگه‌داشتن ویروس، اردوگاهی را که در آن سربازان آلوده شده بودند، تخریب می‌کنند. ۲۸ سال بعد، سرهنگ سام دانیلز ویروس‌شناس، برای بررسی شیوع این بیماری به کشور زئیر اعزام می‌شود، اما پس از بازگشت، ترس‌های این فرد از انتشار ویروس، توسط مقامات مافوق در ارتش آمریکا رد می‌شود. سرانجام یک میمون سفید به‌نام بتسبی که میزبان ویروس است، به آمریکا قاچاق می‌شود و ماجرا را وارد ابعاد تازه‌ای می‌کند... این فیلم به پدید آمدن چنین ویروسی توسط مقامات ارتش آمریکا و پس از آن تلاش برای پنهان‌کاری درمورد‌ش اشاره دارد. راجر ابرت فقید که آن روزها در شیکاگو سان‌تایم می‌نوشت، به این فیلم سه‌ونیم ستاره از چهار ستاره داد و فرضیه فیلم را «یکی از داستان‌های ترسناک بزرگ در زمان ما» خواند.

«اپیدمیک» ۱۹۸۷ لارنس فون تریر

lars von trier's
EPIDEMIC
HOME VISION HVe ENTERTAINMENT

«اپیدمیک» یک فیلم هنری ترسناک دانمارکی است که در سال ۱۹۸۷ به کارگردانی لارس فون تریر، یکی از فیلمسازان گروه آوانگارد «دگما ۹۵» کارگردانی شد. این فیلم دومین قطعه از «سه‌گانه اروپا» بود که توسط او ساخته شد. این فیلم که سناریوی آن توسط تریر و نیلز ورسل نوشته شده و خود این دو نفر هم در نقش فیلمنامه‌نویس بازیگران آن هستند، روی روند نگارش یک سناریو درباره شیوع بیماری تمرکز دارد.

روایت این فیلم در پنج روز انجام می‌شود. در روز اول شخصیت‌های فیلمنامه‌نویس، لارنس و نیل، تنها کپی فیلمنامه‌شان که ماجرایی پلیسی داشت را از دست می‌دهند. آنها شروع به نوشتن یک فیلمنامه جدید درمورد یک بیماری همه‌گیر می‌کنند؛ شیوع یک بیماری مانند طاعون. شخصیت اصلی فیلمنامه پزشکی است به‌نام مسمر که نقش او را هم خود فون تریر بازی می‌کند. مسمر برخلاف میل دانشکده پزشکی یک شهر ناشناخته، برای کمک به مردم به حومه شهر می‌رود. طی روزهای بعدی، اتفاقات فیلمنامه به رویدادهای زندگی واقعی می‌پیوندند و بیماری مشابهی شروع به گسترش می‌کند. لارنس و نیلز به آلمان می‌روند و در آنجا با مردی روبه‌رو می‌شوند که بمباران شهر کلن توسط متفقین را در جنگ جهانی دوم توصیف می‌کند. این صحنه جنبه نمادینی دارد که با مفهوم کلی اروپا ارتباط دارد.

پس از این سفر، نیلز به بیمارستانی می‌رود که در آنجا یک عمل جراحی جزئی انجام می‌شود و بعد از مدتی به لارنس می‌گوید برای دیدن پال، یک پاتولوژیست که درحال انجام کالبدشکافی روی مردی است که اخیرا بر اثر بیماری ناشناخته درگذشته، به آنجا آمده است. روز قبل از آن، لارنس و نیلز شام را با تهیه‌کننده خود خوردند و در آن جلسه پایان فیلمنامه فاش می‌شود که مسمر و کیت پزشکی او این بیماری را گسترش داده‌اند. تهیه‌کننده، فیلمنامه کوتاه ۱۲ صفحه‌ای آنها را دوست دارد و می‌گوید هیچ نوع خشونت، مرگ و هیچ خرده پیرنگی (که در سینمای دانمارک معمول است) را دوست ندارد. پس از آن یک متخصص هیپنوتیزم و یک زن برای کمک به نوشتن فیلمنامه به خانه می‌آیند؛ اما در ذهن آن زن این دیدگاه که اتفاقات فیلمنامه درحال واقعی شدن است، کم‌کم غالب می‌شود. او خودکشی می‌کند. سپس زن دیگری که خانه را دراختیار لارنس و نیلز گذاشته بود هم درمی‌گذرد و نهایتا نیلز شروع به نشان دادن علائم بیماری می‌کند.

گزارش

کرونا و چالش رسانه‌های رسمی ما

جای خالی ارتباطات سلامت

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

«دست‌هایتان را مکرر بشویید»، «از دست دادن به یکدیگر پرهیز کنید»، «همدیگر را در آغوش نگیرید» و... احتمالا شما این پیام‌های بهداشتی را این روزها با بالاگرفتن تب ویروس کرونا به دفعات از رسانه‌های دیداری و شنیداری دریافت کرده‌اید. پیام‌هایی را که به تلفن همراه‌تان پیامک شده، نادیده می‌گیریم. اطلاع‌رسانی مکرر و البته قطره‌چکانی و ناقص در یک ماه گذشته از طریق فضای مجازی، بیم‌ها و امیدهایی را برای مردم ایجاد کرد. اما باید دید رسانه‌ها در این‌گونه مواقع اساسا وظیفه‌ای دارند یا خیر و اگر دارند چه میزان آشنایی با این وظایف وجود دارد؟ ارتباطات و رسانه در موارد بحرانی چه نقشی در بالابردن سطح سلامت جامعه یا کاهش احتمالی آن دارد؟ «سواد سلامت» چیست و چه تاثیری در بهبود عملکرد افراد دارد؟ سواد سلامت را میزان توانایی افراد در به دست آوردن، تحلیل کردن و فهمیدن اطلاعات و خدمات اولیه بهداشتی که به آن نیاز دارند تا بتوانند در مورد مسائل مربوط به سلامتی خود مشارکت داشته و تصمیم‌های درستی را اتخاذ کنند تعریف می‌کنند. اما باید توجه داشت که سواد سلامت مفهومی فراتر از توانایی‌های فردی یک شخص است. یکی از مباحث تازه در حوزه ارتباطات مطالعه و عمل در برقراری ارتباط تبلیغاتی اطلاعات بهداشتی، از جمله در کمپین‌های بهداشت عمومی، آموزش بهداشت و در بین پزشک و بیمار است که با عنوان «ارتباطات سلامت» شناخته شده است. این مبحث به همان اندازه که به حوزه تاثیر رسانه‌ها در پیشگیری یا درمان بیماری‌ها ورود می‌کند، به شکل و نوع رابطه افراد و مجامع در انتقال یک بیماری هم می‌پردازد.

ارتباطات سلامت چه می‌گوید؟

دکتر شیرین احمدنیا، جامعه‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی که کتابی با عنوان «آشنایی با ارتباطات سلامت» را منتشر کرده است، درباره حوزه میان‌رشته‌ای ارتباطات سلامت می‌گوید: «ارتباطات سلامت یک رشته نوپا و درحال تحول است که دو حوزه ارتباطات و سلامت را به هم مرتبط ساخته و از دل آن رویکرد چندوجهی و میان‌رشته‌ای حاصل شده است که امروزه به‌عنوان یک شاخه علمی میان‌رشته‌ای در مجامع علمی و سازمان‌های جهانی به آن توجه می‌شود. در سال‌های اخیر، رشته ارتباطات سلامت در جهان نه‌تنها به‌عنوان بخشی از ارتباطات توسعه بلکه در مکانی هم‌ردیف با رشته‌های ارتباطات سیاسی، ارتباطات انسانی و... قرار دارد و از اعتبار علمی و جهانی برخوردار شده است. این حوزه نوین، تمرکز خود را بر نقش قدرتمند ارتباطات انسانی و رسانه‌ای در ارائه مراقبت‌های بهداشتی و ارتقای سطح سلامت معطوف کرده است. ارتباطات سلامت، مطالعه و کاربرد راهبردهای ارتباطی است و به‌منظور اطلاع‌رسانی و تاثیرگذاری بر تصمیم‌های فردی و اجتماعی در رابطه با سلامت و بهداشت به کار می‌رود و به‌عبارتی، زمینه پیوند ارتباطات و سلامت را برقرار می‌کند و به‌عنوان یک عنصر ضروری در تلاش برای ارتقای بهداشت و سلامت فردی و اجتماعی شناخته می‌شود.»

براساس این تعریف و طبق گفته محققان این حوزه، هدف از انتشار اطلاعات بهداشتی این خواهد بود که با بهبود سواد سلامت بر سلامت انتخاب فردی (همانند نظافت فردی، دست دادن یا ندادن به افراد) تاثیر بگذارد. از آنجا که ارتباطات بهداشتی موثر باید برای مخاطبان و وضعیت مناسب باشد، تحقیقات در ارتباط با سلامت به‌منظور اصلاح استراتژی‌های ارتباطی برای اطلاع دادن به مردم در مورد راه‌های افزایش سلامت یا اجتناب از خطرات خاص سلامت است. به‌طور علمی، ارتباطات سلامت یک رشته در مطالعات ارتباطات است. البته برخی از پژوهشگران، «برنامه‌های پزشکی»، «گفت‌وگوها و مصاحبه‌های بهداشتی»، «پیام‌ها» و «زیرنویس‌هایی» که درخصوص سلامت از رسانه‌ها پخش می‌شوند را به‌عنوان چالش موضوع ارتباطات سلامت مطرح می‌کنند، زیرا معمولا رویکرد درمانی و بیمارمحور دارند و ارتباطات سلامت می‌خواهد با تغییر نگرش جامعه رویکرد فوق را به جامعه‌محور و پیشگیری‌کننده تبدیل کند.

اصول رسانه‌ها

محمداسماعیل اکبری، استاد دانشگاه و مجید خلیفه‌سلطانی، عضو شورای سیاستگذاری سلامت صداوسیما در مقاله‌ای که با عنوان «رسانه‌ها و سلامت جامعه» منتشر کرده‌اند، اصولی را برای بهره‌گیری از رسانه‌ها برای ارتقای حفظ سلامت مردم مطرح کرده‌اند. این اصول که منطبق بر استانداردهای جهانی است، عبارتند از: «شفافیت»، «راست گفتن»، «همه راست را گفتن»، «بحث در جزئیات»، «امر به معروف»، «قانونمندی»، «استمرار و پیگیری فرآیندها»، «عملکرد عالمانه» و «جامعیت عملکرد». فارغ از اینکه سه اصل اول چقدر در رسانه ملی‌مان در موضوع کرونا محقق شد، اما ۶ اصل دیگر این مقاله قطعا می‌تواند مهم و تاثیرگذار باشد که در ادامه به برخی از این اصول می‌پردازیم. پرهیز از کلی‌گویی درباره اتفاقات مهم و بحران‌ها و توصیه به انجام کاری تا نهی از آنها دو عامل مهم در حفظ سلامت مردم و جامعه هستند. بدترین اتفاق ممکن زمانی رخ می‌دهد که رسانه‌ها دانش و توانایی لازم را برای گفتن جزئیات مرتبط با سلامت یا بیماری نداشته باشند. عدم اکتفا به طرح موضوع به‌تنهایی نمی‌تواند چاره‌ساز باشد، بلکه عدم‌پیگیری آن توسط رسانه‌ها حتی می‌تواند مشکل‌ساز شود.

بسیاری از مردم به عملکرد صداوسیما درخصوص بیماری کرونا منتقد و معترض هستند، اما در مقابل این گروه، عده‌ای موافق رفتار این رسانه هستند و ترس و وحشت عمومی را نتیجه پرداختن مکرر تلویزیون و رسانه‌هامی دانند و رسالت صداوسیما را عادی جلوه دادن شرایط سلامت کشور می‌شمارند.

وظایف رسانه‌ها

حالا که مفهوم ارتباطات سلامت روشن شد، بهتر است برویم سراغ اصول و وظایف رسانه‌ها در این تعریف. خانم احمدی‌نیا معتقد است رسانه‌ها با دو وظیفه اصلی اطلاع‌رسانی و آموزش و نیز کارکردهای ویژه خود بهترین عوامل اجتماعی هستند که انتظار می‌رود در تحقق اهداف راهبردی سلامت نقش اصلی را ایفا کنند؛ به‌عنوان نمونه، جایگزین ساختن «پیشگیری» به جای «درمان» و درنهایت انتخاب یک رویکرد جامعه‌محور که در آن به لزوم آموزش مطلوب تک‌تک افراد جامعه در زمینه سلامت و ارتقای سطح آگاهی بهداشتی توجه شود، یکی از چالش‌های ارتباطات سلامت است که رسانه‌ها می‌توانند در هموار ساختن آن نقش بسزایی داشته باشند. درواقع موضوع ارتباطات سلامت قرار است حامی رسانه‌ای حوزه بهداشت، درمان و محیط‌زیست باشد. از این نگاه، حمایت رسانه‌ای جزء راهبردهای جامع و چندسطحی ارتقای سلامت محسوب می‌شود و شامل راهبردهای استفاده از رسانه معمولا رسانه‌های خبری به‌منظور شکل‌دادن به افکار عمومی، بسیج فعالان اجتماعی و تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیرندگان برای تغییر در سیاست‌ها می‌شود. بر مبنای این رهیافت، حمایت رسانه‌ای تمرکز خود را از مسئولیت‌های فردی به سمت علل اجتماعی و محیطی مشکلات سلامت معطوف می‌کند.

البته در مقاله «برساخت پیام‌های سلامت و پزشکی در رسانه و تاثیر آن بر آگاهی مردم» که توسط سیدمجتبی رضوی‌طوسی، رمضان آذرهمایون و سجاد یاهک گردآوری شده، وظایف اجتماعی رسانه‌ها را اینچنین تقسیم‌بندی می‌کند: اول؛ وظایف ارتباط فکری، دوم؛ وظایف روانی-اجتماعی. و این دو وظیفه اصلی را به شاخه‌های دیگر تقسیم می‌کند. «اطلاع و آگاهی»، «پرورش»، «بیان» و «اخبار» زیرمجموعه وظایف ارتباط فکری معرفی می‌شوند و «همبستگی اجتماعی»، «سرگرمی» و «درمان روانی» را جزء دسته‌بندی وظایف روانی-اجتماعی عنوان می‌کنند. استفاده از زبان طنز در طراحی پیام‌ها و پوسترهای اطلاع‌رسانی و حتی حضور چهره‌های سرشناس به‌عنوان یک پیام‌رسان (نه منبع علمی) زیرمجموعه سرگرمی و درمان روانی قرار می‌گیرند. به هر حال این وظایف در همه رسانه‌های جهان در مواجهه با بحران‌های سلامت مشترک هستند. بدیهی است در طول سال‌ها، تحقیقات زیادی روی ارتباطات سلامت صورت گرفته است. به‌عنوان مثال، محققان می‌خواهند بدانند که آیا مردم با یک پیام مثبت در مقابل یک پیام منفی موثرتر هستند. محققان معتقدند افراد با ایده‌های ثروت و ایمنی یا ایده بیماری و مرگ موثر هستند. محققان بررسی می‌کنند چه ابعادی از انگیزه‌های متقاعدکننده تاثیرگذار هستند؛ سلامت جسمانی در مقابل اقتصادی، در مقابل روان‌شناختی، در مقابل اخلاقی، در مقابل اجتماعی.

ارتباطات سلامت غریبه

براساس آنچه اشرف احدزاده در تحقیقاتش آورده از سال ۲۰۰۰ محبوبیت اینترنت به‌عنوان منبع کسب اطلاعات سلامت شروع و طی سال‌های بعدی بر این محبوبیت افزوده شده است. نتایج تحقیقات پیو نشان می‌دهد تعداد جست‌وجوگران اطلاعات سلامت آنلاین از ۵۵درصد در سال ۲۰۰۰ به ۸۰درصد در سال ۲۰۰۶ رسیده است (فاکس، رینی و هریگان، ۲۰۰۶). همچنین نتایج نظرسنجی هریس هم نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۰، ۸۸درصد از آمریکایی‌ها از اینترنت برای جست‌وجوی اطلاعات سلامت استفاده می‌کنند (هریس پل، ۲۰۱۰). هر چند در آخرین تحقیقات مرکز پیو از تعداد کابران اطلاعات سلامت آنلاین در سال ۲۰۱۲ کاسته شده است که دلیل آن هم افزایش حجم اطلاعات نادرست پزشکی و در پی آن کاهش اعتماد کاربران به اطلاعات سلامت اینترنتی گزارش شده است (فاکس و دوگان، ۲۰۱۳). از جمله فعالیت‌های مرتبط با سلامت که در اینترنت انجام می‌شود می‌توان به جست‌وجوی اطلاعات سلامت، برقراری ارتباط برای اهداف سلامت و خرید آنلاین محصولات و تولیدات پزشکی و بهداشتی اشاره کرد (آتکینسون و همکاران، ۲۰۰۹؛ دومیترو و همکاران، ۲۰۰۷؛ هال و همکاران، ۲۰۱۰).

قبل از پذیرش و استقبال گسترده از اینترنت به‌عنوان منبع اطلاعات سلامت، افراد اطلاعات سلامت را از منابع اطلاعاتی مانند پزشک، اعضای خانواده و رسانه‌های جمعی دریافت می‌کردند. از سال ۲۰۰۰ افراد به موتورهای جست‌وجوی اینترنتی وابسته شدند زیرا این موتورهای جست‌وجو، دسترسی به کلیه صفحات موجود در سرتاسر دنیا را امکان‌پذیر می‌کردند. هرچند حضور اینترنت باعث دسترسی آسان کاربران شده، اما استفاده از سلبریتی‌ها و چهره‌های معروف به‌عنوان منابع خبری از جمله آفات فضای مجازی است. جایی که اطلاعات غلط یک بازیگر یا خواننده به مراتب بیشتر از یک پزشک متخصص در یک شهر دورافتاده دیده و حتی به آن عمل می‌شود.

مثلا سال گذشته مهناز افشار در پیامی ویدئویی با استناد به آماری که می‌گوید شنیده است! مردم را به تزریق یک آمپول برای جلوگیری از سوء‌مصرف موادمخدر تشویق کرد. این بازیگر با اتکا به گفته یک خواننده لس‌آنجلسی می‌گوید تزریق نالوکسان می‌تواند معتادانی که دچار اوردوز شده‌اند را از مرگ حتمی نجات دهد. این حرف‌های یک بازیگر است که در حوزه‌های مختلف ورود کرده و به‌عنوان یک منبع پزشکی خودش را مطرح می‌کند.

این علم در کشور ما همچنان غریبه است. شاید به‌واسطه کرونا، تکانی به وضعیت رسانه‌ها داده شود اما نمی‌توان از ضعف رسانه ملی و دیگر رسانه‌های مکتوب و مجازی در بیان و همراهی مردم با بحران‌ها به سادگی گذشت. نبود اتحاد و یکپارچگی میان مدیران تصمیم‌گیر، ترس از بهره‌برداری‌های سیاسی در مواقع حساس و بحرانی، عدم اعتماد بخشی از مردم به رسانه‌های حاکمیت و نبود کارشناسان مطلع و با فن بیان مناسب از مشکلاتی است که مساله ارتباطات سلامت در کشور ما با آن مواجه است.

فارغ از اینکه کشور ما تا چه زمانی میزبان این ویروس وارداتی باشد اما باید از این موقعیت برای اصلاح برخی رفتارهای رسانه‌ای استفاده شود. رفتارهایی که در شرایط خاص مانند وقوع سیل یا زلزله از طرف رسانه‌های داخلی ظهور و بروز پیدا می‌کند اکثرا محلی برای تمسخر یا انتقاد بخش عمده‌ای از مردم بوده و کشاندن جامعه به‌سمت حقیقت حتما انتخاب بهتری است.

چارسو

تفاوت مسابقه جدید «ایران» با «برنده باش»

فضل‌الله شریعت‌پناهی، مدیرگروه اجتماعی شبکه یک سیما در گفت‌وگویی با مهر با اشاره به مسابقه «ایران» که قرار است به‌زودی با اجرای سام درخشانی روی آنتن این شبکه برود، گفت: «مسابقه ایران که با محور هویت ایران در دست تولید است، فعلا دو روز در هفته پخش می‌شود، اما در ایام نوروز ۹۹ هر شب روی آنتن می‌رود.» وی در واکنش به شائبه‌های مطرح‌شده درباره شباهت این مسابقه با «برنده باش» که هر دو توسط یک تهیه‌کننده ساخته شده است هم گفت: «مسابقه ایران در راستای ترویج کار گروهی است، در حالی که مبنای «برنده باش» کار فردی بود. از طرفی تفاوت عمده‌ای در ساختار و محتوا بین این مسابقه با مسابقه قبلی که هاشم رضایت تهیه کنندگی آن را برعهده داشت، وجود دارد. آن مسابقه درباره اطلاعات عمومی بود، اما این مسابقه فقط درباره ایران است که حوزه‌های جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و... را دربر می‌گیرد. این مسابقه مدلی از مسابقه بین‌المللی «صفحه فشار» (Pressure Pad) است که در خیلی از شبکه‌های معتبر تلویزیونی دنیا تولید شده و کاری گروهی است. ما همان ساختار را استفاده کرده‌ایم و در سوالات و برخی قسمت‌ها تغییراتی را اعمال کردیم.» مدیرگروه اجتماعی شبکه یک سیما درباره پروداکشن و بودجه تولید این مسابقه گفت: «بابت این مسابقه هزینه زیادی شده است، چون در دکور از ال‌ای‌دی سنگینی استفاده می‌شود، اما جوایز سنگین و آنچنانی نداریم. برای ما جذابیت خود مسابقه مهم بود و جوایز در رتبه بعدی قرار می‌گیرد و همین الان هم با چند روز پخش تیزر، هزاران نفر برای حضور در آن ثبت‌نام کرده‌اند.»

جزئیات تعطیلی یک هفته‌ای سینماها

با آمدن ویروس کرونا، همه فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی در جامعه تحت‌تاثیر قرار گرفته است. روز گذشته هم مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «نظر به توصیه‌های اکید بهداشتی در شرایط کنونی و ضرورت پیشگیری مناسب از خطر ابتلا به بیماری و به‌منظور صیانت از سلامت آحاد جامعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن تشکر از همکاری صنوف مرتبط به اطلاع عموم می‌رساند: تمامی برنامه‌های هنری و سینمایی در سالن‌های سراسر کشور تا پایان هفته‌جاری (۹۸/۱۲/۹) تعطیل می‌شود.» محمدرضا فرجی از اعضای شورای صنفی نمایش در گفت‌وگویی درباره خروجی این جلسه درباره این موضوع گفت: «براساس مصوبه امروز شورای صنفی نمایش و پیرو اطلاعیه روز گذشته وزارت ارشاد، تمامی سینماهای کشور از امروز تا پایان هفته جاری به‌دلیل جلوگیری از شیوع بیماری کرونا تعطیل خواهند بود.» فرجی تاکید کرد: «پس از پایان این زمان هم ادامه فعالیت سینماها با اجازه از مراجع ذی‌صلاح اتفاق می‌افتد، چراکه سلامتی مردم برای ما در اولویت قرار دارد. کسانی که برای امروز و فردا از طریق سایت سینماتیکت بلیت خریداری کرده بودند، امکان برگشت پول آنها وجود دارد و این سامانه باید پول آنها را برگرداند.» فرجی در پایان گفت: «شورای صنفی نمایش برای فیلم‌های در حال اکران و فیلم‌هایی که در نوبت اکران هستند و از این تعطیلات متضرر می‌شوند، حتما هفته‌های جبرانی در نظر می‌گیرد و برای ضرر آنها تصمیمی اتخاذ می‌کند.»

فروش واقعی «مطرب» چقدر است؟

حبیب اسماعیلی، تهیه‌کننده سینما در گفت‌وگویی با تسنیم، علت اصلی ریزش مخاطب در سینمای کشور را عدم برنامه‌ریزی درست برای اکران فیلم‌های سینمایی توصیف کرد و گفت: «در سالی که گذشت، سینمای ما به‌علت برنامه‌ریزی اشتباهی که در حوزه اکران داشتیم، دچار ریزش جدی مخاطب شد. چینش اکران فیلم‌ها به‌گونه‌ای بود که منجر به این شد که فیلم‌هایی که از فروش خوبی برخوردار نبودند زمانی اکران شوند که فیلم‌های پرفروش دیگر هم در حال اکران بودند و در نتیجه در آن بازه زمانی سینما از فروش بسیار پایینی برخوردار شد.» این تهیه‌کننده سینما درباره اکران فیلم‌های خوب در کنار یکدیگر گفت: «زمانی که فیلم‌های خوب با یکدیگر اکران شود، همدیگر را در اکران خنثی می‌کنند. بگذاریم مساله فروش بسیار بالای مطرب را از این منظر نیز بررسی کنیم که اگر این فیلم به‌عنوان مثال در عید نوروز ۱۳۹۹ اکران می‌شد، باز هم از این فروش بسیار بالا برخوردار بود؟ قطعا خیر و بیشتر از ۲۵ میلیارد فروش نداشت، زیرا در نوروز فیلم‌های بسیار پرفروش دیگری هم در حال اکران است و طبیعتا این فیلم نیز سالن‌های کمتری را شامل می‌شد و در کنار آن باید تاثیر فروش فیلم‌های دیگر را هم در نظر گرفت. مطرب زمانی اکران شد که در کنار آن فیلم‌های پرفروش دیگر اکران نداشتند و در نتیجه این فیلم توانست در اکران از این فروش بالا برخوردار شود.» واقعیتی که در اکران امسال رخ داد این بود که اواخر خرداد و بعد از اکران چند فیلم خوب یکباره سینماهای ما در مدت زمان مدیدی بدون فیلم خوب و بفروش بود و در نتیجه سینماهای ما دچار کسری مخاطب شد. بخش بزرگی از کمبود مخاطب امسال سینماهای ما مربوط به آن فصل بود.»

فشار دولتی برای انتخاب رئیس زن برای کن

پی‌یر لسکور که از سال ۲۰۱۵ جایگزین ژیل ژاکوب به‌عنوان رئیس جشنواره فیلم کن شد، با آهنگی محکم در راس این جشنواره، کار خود را پیش برد و در کنار تیری فرمو، مدیر هنری اجازه نداد خللی وارد کار این جشنواره شود. اما اکنون شایعات در فرانسه حاکی از این است که یک کاندیدای دیگر برای ریاست این جشنواره وجود دارد و مرسدس ارا نامزد دیگری است که از دنیای تبلیغات مورد توجه قرار گرفته و دولت فرانسه تاکید دارد تا جایگزین لسکور شود. این خبر که نخستین بار در مجله «پاریس مچ» منتشرشده، بر این باور است که دولت فرانسه دوست دارد یک زن را به ریاست جشنواره کن بنشاند تا از تنوع جنسیتی دفاع کرده باشد. ارا مدیر یک آژانس تبلیغاتی است و با جهان سینما هیچ قرابتی ندارد. در هر حال او چهره‌ای است که ممکن است جایگزین لسکور شود، زیرا وزیر فرهنگ فرانسه به‌عنوان یک مدافع برجسته در زمینه تنوع و برابری جنسیتی از وی دفاع می‌کند. با این حال چند تن از مدیران بلندپایه سینمایی فرانسه نسبت به این شایعه به‌شدت واکنش نشان داده‌اند و تاکید کرده‌اند که دولت فرانسه در این انتخابات نباید حرفی برای گفتن داشته باشد و طبق انتظار این انتخابات توسط هیات کارگردان‌های فرانسوی برگزار می‌شود. این نخستین باری است که دولت فرانسه سعی کرده کاندیدایی را در مقام ریاست کن تحمیل کند. ژیل ژاکوب، رئیس پیشین کن سال ۲۰۰۱ در این مقام قرار گرفت و ۱۴ سال در این جایگاه باقی ماند.